

## به جای نق زدن به حکومت، خودمان را قوی کنیم

محسن رناتی مطرح کرد: به جای نق زدن به حکومت، خودمان را قوی کنیم



محسن رناتی مطرح کرد: به جای نق زدن به حکومت، خودمان را قوی کنیم

بالاخره این حکمرانان هم محصول همین جامعه هستند. آقای روحانی در بین ما رشد کرده است. اگر نمی تواند بپاید و با ما گفت و گو کند به این دلیل است که مادرش و نهاد آموزشی او به او گفت و گو کردن را یاد نداده اند. هر روحانی دیگر هم همین گونه است. شما تا به حال دیده اید که یک روحانی بالای منبر از مردم بخواهد که از او سوال بپرسند. دیگر روسای قوا هم همین گونه هستند. من امروز معتقدم که ما باید امروز به جای غر زدن به حکومت خودمان را قوی کنیم تا در روزی که این ماشین ایستاد بتوانیم راهکار ارائه دهیم.

محسن رناتی مطرح کرد: به جای نق زدن به حکومت، خودمان را قوی کنیم

پایگاه خبری جماران، فرهاد فتحی: اولین نشست از سلسله نشست های «گفت و گو های راهبردی ایران با عنوان نقش نهادهای مدنی در آینده توسعه ایران» عصر دیروز با سخنرانی محسن رناتی در سالن اجتماعات سندیکای شرکت های ساختمانی برگزار شد.

به گزارش جماران، در ابتدای این نشست محسن رناتی این گونه آغاز کرد که: این نخستین سخنرانی من از آغاز سال 96 تا به حال است و امیدوارم آخرین آن هم باشد.

توسعه چیست؟

این اقتصاددان در ابتدا به تعریف توسعه از دیدگاه دیگران و خودش پرداخت و ابراز داشت: بر اساس تعریف دولت های توسعه گرا، کاربرد توسعه 9 سطح دارد. این 9 سطح شامل توسعه به مثابه پیشرفت تاریخی که معمولا هم معطوف به تجربه غرب است، توسعه به مثابه استخراج منابع طبیعی که بیشتر ریشه در تجربیات دوران استعمار دارد، توسعه به مثابه تدارک برنامه ریزی شده پیشرفت، توسعه به مثابه یک وضعیت که تصویری کلی از شرایط به ما می دهد، توسعه به مثابه یک فرایند که گاهی فروافتادن یک سری از سازمان ها و برآمدن تکنولوژی جدید را به همراه دارد، توسعه به مثابه رشد اقتصادی که در ایران بیشتر مسئولین توسعه را از این منظر می نگرند؛ مثلا ما در برنامه های توسعه مان هیچ بخشی برای بهتر شدن اخلاق جامعه یا ترویج گفت و گو نداریم اما تا بخواهید در مورد سیمان و جاده و انرژی اتمی برنامه داریم، توسعه به مثابه تغییر ساختارها، توسعه به مثابه نوسازی و توسعه به مفهوم جهش در نیروهای مولد است.

وی ادامه داد: اما تعریف منتخب من از توسعه عبارت است از سلسله تحولاتی که در فرایند این تحولات سه عامل رفاه، رضایت و معنا در جامعه به طور هم زمان بهبود یابد. ما به عنوان موجودات انسانی توسط سه عامل طبیعت، جامعه و هستی محاصره شده ایم. بنابراین اگر تحولاتی رخ دهد که رابطه من را با این سه، تسهیل، کم هزینه و دلپذیر کند، نامش توسعه است. یعنی کاری که با سقراط با عنوان «سعادت» شروع شد و تا همین 100 سال پیش ادامه داشت تا این که در قرن بیستم پرسشی دوباره در مورد همه عوامل سعادت مطرح کردیم و گفتیم این عوامل هر چه هستند باید رابطه ما را با طبیعت، جامعه و هستی دلپذیر کند.

رناتی یادآور شد: رابطه ما با طبیعت می تواند به ما «رفاه» دهد؛ ما باید کارهایی انجام دهیم که فشار طبیعت بر انسان را کم و در برابر طبیعت احساس آرامش کنیم. مثلا با گسترش تکنولوژی از خسارات زلزله و سیل جلوگیری کنیم، جاده بسازیم و ... از دل این مواجهه ما با طبیعت رفاه حاصل می شود. یک سری کارهای دیگر باید انجام دهیم که رابطه ما با جامعه بهبود یابد. به عبارتی فشار قانونی دائم ما را تحقیر نکند، سقوط بورس، کودتا و ظلم و ... نداشته باشیم. به هر صورت باید اقداماتی انجام دهیم که در جامعه احساس «رضایت» داشته باشیم. هر کاری که موجب شود ما در جامعه احساس رضایت کنیم این کار توسعه ای است. بیشتر مهاجرت ها یا فرار مغزها در کشور ما به دلیل این مورد (رضایت) است نه به دلیل نداشتن رفاه، ما رفاهمان کم نشده ما به دلیل نارضایتی می خواهیم از کشور مهاجرت کنیم. دسته سوم فعالیت ها و کارهایی است که ما در زندگی معنا ببخشند. یک چیزهایی باید در اطراف ما باشد که به زندگی من معنا ببخشند. در جامعه سنتی بخش اعظم معنا را دین تولید می کرد امروز اگر به دلیل عملکرد نامناسب متولیان دین، دین دیگر کاربرد گذشته خود را ندارد باید چیزی پیدا کنیم که معنا تولید کند. این تولیدکننده های معنا در کنار دین، می تواند هنر، موسیق و ادبیات و ... باشد.

این استاد دانشگاه گفت: من همیشه می گویم در توانمندی تمدن غرب همین بس که از یک رقاصه ای (از نگاه ما) به نام مایکل جکسون یک کارخانه تولید معنا ایجاد کرده است. مایکل جکسون الگوی هنری که اتخاذ کرده بود همراه با موسیقی و شعری که می خواند به جوان ها معنا می داد. شما اگر شعر هایی که این فرد می خواند را ترجمه کنید، شعر های بسیار معنا دار و هویت بخشی هستند. منتها اکثر ما ها چون معنی شعر را متوجه نمی شویم، فقط رقصش را می بینیم. بنابراین غرب این توانایی را دارد که مایکل جکسون را به جای کلیسا بگذارد. بنا بر تعریف من، توسعه مثلثی است که یک ضلع آن رفاه، یک ضلع آن رضایت و یک ضلع دیگر آن معناست. هرچه مساحت این مثلث بزرگ تر شود، توسعه ایجاد کرده ایم. رفاه از سرمایه گذاری های اقتصادی و پیشرفت تکنولوژی و آموزش به دست می آید. رضایت از تقویت سرمایه های فرهنگی، اجتماعی و نمادین تولید می شود و معنا با همه این سرمایه ها به دست می آید؛ فقط ما باید هنر تبدیل سرمایه ها به معنا را در جامعه پیدا کنیم و اجازه دهیم یک سرمایه انسانی مانند یک خواننده یا هر هنرمند دیگری بتواند سرمایه معنوی ایجاد کند. منظور از سرمایه معنوی همان حسی است که شما مثلا وقتی حافظ می خوانید به شما دست می دهد به عبارتی حافظ یک سرمایه معنوی است. بنابراین سرمایه معنوی زاده شده از سایر سرمایه ها هستند.

نهاد چیست؟ رابطه توسعه و نهاد کدام است؟

رناتی با بیان اینکه توسعه یعنی تحول مستمر مثبت نهادی یا توسعه یعنی ارتقای مستمر کیفیت نهادها، افزود: نهاد نیز عبارت است از هرگونه ترکیباتی که همه یا بخشی از رفتارهای جامعه را کنترل می کند. مثلا بانک مرکزی که رفتارهای پولی ما را کنترل می کند یک نهاد است. یا قانون اساسی، مسجد، خانواده، نوروز، عاشورا و ... همه نهادهایی هستند که بخشی از رفتارهای ما را کنترل می کنند. نهاد می تواند رسمی یا غیررسمی، سازمان یافته یا غیرسازمان یافته باشد. سازمان یافته و رسمی مانند بانک مرکزی و غیر رسمی مانند نوروز یا دین، نوروز یک نهاد است که بخشی از ارتباطات اجتماعی را مدیریت می کند. گاهی قرض الحسنه محله که رفتارهای پولی یک محله را مدیریت می کند هم یک نهاد است.

رناتی، جامعه را مجموعه ای از نهادهای مختلف که مردم را کنترل و هدایت می کنند، تعریف کرد و گفت: جامعه شناسان نهادها را به چهار دسته کلی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی تقسیم می کنند. کل جامعه عبارت از ملغمه ای از انواع نهادهاست. نهاد مدنی، نهادی است که یکی از چهار قسم نهاد را در خود دارد، اما در شکل گیری آن مشارکت داوطلبانه نقش دارد. تمام نهادهای مدنی باید مشارکت داوطلبانه و غیرانتفاعی داشته باشند و باید بتوانند سرمایه اجتماعی هم ایجاد کنند. اگر سرمایه اجتماعی در نهاد مدنی ایجاد نشود، اصلا نهاد شکل نمی گیرد، زیرا تولید مؤثر نهاد مدنی سرمایه اجتماعی است. ارتباطات، اعتماد، دوستی، امید، مشارکت و تحرک از تولیدات مؤثر نهادهای مدنی هستند.

وی افزود: فعالیت نهاد مدنی باید عقلانی و مستمر باشد. اگر زلزله شد و به کمک زلزله زدگان شتافتید، نهاد ایجاد نکرده اید. این یک حرکت توده وار احساسی است. فعالیت نهاد مدنی باید عقلانی و مستمر باشد.

عضو هیات علمی دانشگاه اصفهان با اشاره به این که نهادهای مدنی محصول جامعه مدرن هستند، تصریح کرد: زمانی که جامعه به سمت مدرن شدن حرکت کرد، دیگر ساختارهای قدیمی کارکردهای خود را از دست دادند، به همین دلیل، باید ساختارهای جدید در جامعه ایجاد می شد. دوره عبور جامعه از حالت سنتی به مدرن دوره گذار نامیده می شود که در آن نهادهای مدنی به تدریج تشکیل شدند.

وی تقسیم کار و ارتباط مستمر اعضای جامعه مدرن را یکی از تفاوت های اصلی جوامع امروزی با جوامع سنتی گذشته دانست و ابراز داشت: اعضای جوامع سنتی به شکل موزائیکی در کنار هم زندگی می کردند و ارتباط ارگانیک با هم نداشتند زیرا یک حکومت مرکزی این اعضا را به هم مرتبط می کرد، اما در یک جامعه مدرن قطعات مختلف یک کلا، در کشورهای مختلف تولید می شود و در چنین شرایطی ارتباطات نقش مهمی خواهد داشت.

وی گفت: در دوره گذار از سنت به مدرنیته، یک تحولی رخ می دهد. در دنیای سنتی اقتدار حکومت بالاست و اقتدار جامعه پایین است، اما در جوامع مدرن و توسعه یافته اقتدار جامعه بالاست و اقتدار حکومت در برابر جامعه پایین است. حکومت آمریکا اقتدارش در برابر جامعه مدنی پایین است و در برابر جامعه مدنی نمی تواند دست از پا خطا کند اما همین دولت در برابر دولت های دیگر ممکن است زور گو باشد. در این جابه جایی ها اگر نهادهای مدنی شکل نگیرند، دچار اضمحلال می شویم. در دنیای مدرن مهم است که جامعه مدنی اقتدار یابد. اگر اقتدار جامعه بالا نرود، دچار فروپاشی و درهم ریزی می شویم.

رنانی اضافه کرد: برای اقتدار باید قدرت باشد. نهادهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی که به وجود آمدند، قدرت دارند اما برای تبدیل شدن قدرت به اقتدار، نیازمند نهادهای مدنی هستیم. یعنی نهادهای فرهنگی، سیاسی، اجتماعی اقتصادی باید بتوانند از جنس نهاد مدنی هم باشند تا بتوانند قدرت را به اقتدار تبدیل کنند. ما مزرعه های سنتی را منحل می کنیم و کشت و صنعت مدرن راه اندازی می کنیم. اینها قدرت اقتصادی دارند اما اگر تشکل مدنی نداشته باشند، قدرت اقتصادی خود را علیه دولت و جلوگیری از فشار دولت، نمی توانند استفاده کنند.

وی ادامه داد: وقتی می توانند اقتدار داشته باشند که کارآفرینان دارای قدرت اقتصادی بین خود نهاد مدنی تشکیل دهند. این ابزار تبدیل قدرت به اقتدار است. هر نهاد مدنی حتماً اجتماعی است اما هر نهاد اجتماعی، اقتصادی و... مدنی نمی شود. حزب یک نهاد مدنی سیاسی است. سمن ها و ان جی اوها نهادهای مدنی اجتماعی هستند. نهادهای جامعه که شامل نهادهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هستند، قدرت جامعه را تشکیل می دهند. این مجموعه ها به همراه سایر نهادهای قدرت مثل اطلاعات، دانش ثروت و منابع طبیعی که دست این نهادهاست، قدرت جامعه را شکل می دهند. نهادهای مدنی قدرت دست نهادهای چهارگانه را به اقتدار تبدیل می کنند.

به دلیل رانت های ناشی از پول نفت نهادهای مدنی فرایند بلوغ خود را طی نمی کنند

این اقتصاددان ادامه داد: اتفاقی که در جامعه ما رخ داده، این است که در پروسه گذار که از مشروطیت آغاز شده است، در زمینه بلوغ نهادهای مدنی خیلی پیش نرفته ایم. دو مسئله در ایران رخ داده است. هم زمان که ایران ما وارد دنیای مدرن شد، به فاصله یک سال نفت هم کشف شد. ۱۲۸۵ یا ۱۲۸۴ قانون مشروطیت تصویب شد. یک سال بعد اولین چاه نفت کشف شد. پول نفت را دولت به ابزار کنترل جدید تبدیل کرد. اقتدار حکومت قاجار به دلیل رشد شرایط جهانی به شدت افت کرده بود. اما حکومت قاجار توانست با پول نفت، کنترل مصنوعی ایجاد کند. این کنترل مصنوعی از یک سو و سرازیر شدن رانت های ناشی از پول نفت، نهادهای مدنی را به جای هدایت به سمت مسیرهای درست به فضایی هدایت کرد که به سمت چانه زنی و دریافت سهم از نفت حرکت کنند.

رنانی تأکید کرد: با ظهور نفت فرایند سقوط اقتدار حکومت متوقف شد. حکومت ابزار کنترل پول نفت را در اختیار گرفت. نهادهای مدنی به جای حرکت به سمت بلوغ به دنبال چانه زنی و لینک شدن با حکومت رفتند و روند تکامل جامعه مدنی کند شد. نهادهای مدنی خیلی طول می کشد که بالغ شوند. ولی در ایران به علت اینکه صبر در جامعه ایران پایین است و توانایی مشارکت در کارهای گروهی به دلایل مختلف نداریم، اگر نهادهای مدنی شکل بگیرند، به سرعت به حکومت می چسبند. به همین دلیل احزاب و نهادهای قرض الحسنه و... به حکومت ها چسبیدند.

وی اظهار داشت: درباره نهادهای مدنی مشکلی که وجود دارد، این است که به دلیل رانت های ناشی از پول نفت نهادهای مدنی فرایند بلوغ خود را طی نمی کنند. اگر نهادهای مدنی سازماندهی پیدا کنند که هدف ها را اولویت بندی کنند و منابع را تخصیص عقلانی دهند، در فعالیت های خود استمرار ایجاد کنند، تقسیم کار کنند و بر فعالیت اعضا نظارت کنند، قطعاً به مرحله بلوغ می رسند، اما اگر این اتفاقات رخ ندهد، نهاد مدنی به سازمان تبدیل نمی شود. مشکل در ایران این است که نهادهای مدنی بالغ نمی شوند و یکی از دلایل اصلی این مسئله رانت های نفتی بوده است که سمت نهادهای مدنی می آیند.

رنانی اضافه کرد: ۴۰ سال است دو جناح در کشور داریم که نهاد مدنی هستند. اصلاح طلبان و اصولگرایان دو جناحی هستند که فعالیت سازماندهی شده ندارند. رئیس، معاون و تصمیم گیر در این احزاب معلوم نیست. بهترین نمونه از ناتوانی بازیگران ما در ساخت نهاد مدنی این دو حزب است که ۴۰ سال است فعالیت می کنند اما اقتدار ندارند.

وی اصلی ترین آسیب نهادهای مدنی در جامعه را نابالغ ماندن دانست و گفت: این مسئله ای است که نهادهای مدنی باید در درون خود حل کنند. نهادهای مدنی نیازی به ثبت ندارند. نهاد مدنی الزاماً هویتش به پروانه نیست. به ارتباطات و همکاری جمعی و همکاری عقلانی است. آن هویت باید ساختار سازمانی پیدا کند اما متأسفانه ما در همکاری مدنی ناتوانی داریم. این اقتصاددان گفت: خوشبختانه به علت کاهش درآمدهای دولت در ایران، این مسئله به طور طبیعی از بین می رود. بودجه های سرشاری که به حوزه های مختلف تخصیص می دادند، دیگر نیست و نهادهای مدنی باید تمرین کنند که روی پای خود بایستند و با هم همکاری و مدارا داشته باشند. نبود توان همکاری بلندمدت در ایران یک معضل اساسی است که باید حل شود.

هیچ دموکراسی پایداری بدون نهادهای مدنی بالغ شکل نمی گیرد

وی تأکید کرد: هیچ توسعه و دموکراسی پایداری شکل نمی گیرد، مگر اینکه نهادهای مدنی بالغ شکل بگیرند. بلوغ وقتی است که نهادهای مدنی از بی شکلی به سمت سازماندهی حرکت کنند. در دهه گذشته ۱۰ هزار سمن تشکیل دادیم، اما چون این حرکت هیجانی بود و به سمت عقلانیت نرفت، ارتباطات مستمر شکل نگرفت و با اندک تغییری این ۱۰ هزار سازمان مردم نهاد محو شدند. در حال حاضر نهادهای مجازی ما در معرض همین آسیب هستند.

رنانی با اشاره به شکل گیری نهادهای مدنی مجازی عنوان کرد: در حال حاضر در ایران نهادهای مدنی مجازی را شکل می دهیم. امروز یکی از قدرتمندترین حوزه هایی که دارد شکل می گیرد، این است که جامعه مدرن به سمت دولت مجازی می رود. شاید ۱۰ سال قبل پیش بینی کردم که تا ۲۰ سال دیگر پول حذف می شود. امروز پیش بینی می کنم در چند سال آینده پول کاغذی از ساختار مبادلات حذف خواهد شد. این اقتصاددان بیان کرد: نخستین کشور اروپایی در ماه جاری اعلام کرد پول کاغذی کاملاً حذف است و به سمت پول دیجیتال می رود. این پول را دولت تولید می کند، اما به سرعت به سمت پول دیجیتالی می رویم که مردم آن را تولید کرده اند.

هر گروه تلگرامی که به 10 نفر رسید حتماً هیات مدیره تشکیل شود

وی اظهار داشت: الان فضاهای مجازی مستعد شکل گیری نهادهای مدنی مجازی هستند. در گروه های مجازی فعلی، انبوهی از اطلاعات وجود دارد، اما چون اقتدار و سازماندهی ندارند، هیچ کاری نمی توانند بکنند. نیروی انسانی دارد، اطلاعات می چرخد، قدرت اطلاع رسانی دارد، اما اقتدار ندارد. اگر بخواهیم نهادهای مدنی مجازی بالغ شوند، باید شروع به سازماندهی کنیم. هر گروه تلگرامی که به ۱۰ نفر رسید، حتماً هیات مدیره تشکیل شود. در این گروه ها رأی گیری شود. با تشکیل هیئت مدیره، قدرت ساماندهی دست ما می آید. می توانیم افرادی را که قواعد بازی را رعایت نمی کنند، حذف کنیم و به تدریج گروه تلگرامی تبدیل به نهاد مدنی مقتدری می شود. این اقدام از موفقیت های کوچکی است که پیامدهای بزرگی خواهد داشت.

رنانی تأکید کرد: مهم ترین آفتی که در ایران داریم، این است که نهاد مدنی بالغ نداریم. اولاً نهاد مدنی در برابر نهادهای زیادی که در دنیای مدرن شکل گرفته است، بسیار کم داریم. ثانیاً همین نهادهای کم نیز بالغ نشده اند و همچنان به صورت نابالغ فعالیت می کنند.

پرسش و پاسخ

محسن رزانی در بخش دوم این نشست که به پرسش و پاسخ اختصاص داشت به سوالات حضار پاسخ داد.

وی در پاسخ پرسش اول مبنی بر این که آیا خود شما نیز تا به حال نهاد مدنی تشکیل داده اید، گفت: معمولا نهاد مدنی را یک فرد راه نمی اندازد بلکه باید بر اساس یک تاملی که بین افراد وجود دارد یک نهاد مدنی شکل می گیرد. به هر حال در هر سطحی ممکن است سرمایه های ملی و محلی ممکن است نهاد مدنی تشکیل دهند اما بهتر است که این نهاد از دغدغه های جمعی همان افرادی که درگیر مساله هستند شکل بگیرد. نهادهایی که حول یک فرد شکل می گیرد ممکن است دوامشان به دوام آن فرد بستگی داشته باشد.

وی ادامه داد: هر کسی را برای کاری ساخته اند؛ من اقتصاد خوانده ام ولی ثروت مند نیستم. قیمت ماشین من زیر 20 میلیون تومان است. این موضوع مختص من هم نیست ما اصولا اقتصاددان ثروتمند کم داریم، آن هایی هم که هستند پدرشان ثروتمند بوده است. به هر حال در هر ساحتی اگر کسی تئوری تولید می کند لزوما به این معنا نیست که باید آن را اجرا کند. اما من در حد وسیع خودم تلاش هایی را کرده ام. مثلا ما در اصفهان ما موسسه ای را به نام توتم(توانمند سازی توسعه محور خانواده) راه اندازی کرده ایم و در آن جامعه هدفمان کودکان 2 تا 5 سال هستند. ما مجموعه ای از متخصصین رشته های مختلف را دور هم جمع کرده ایم و مشغول کار هستیم. در ابتدا کار بسیار سخت بود و پیش نمی رفت اما ما با یکدیگر قسم خوردیم که به هر شکلی کار را پیش ببریم چرا که اگر ما شکست بخوریم تمام نهادهای مدنی در اصفهان می گویند اگر شدنی بود این ها که از بهترین ها هستند می توانستند. من تصورم این است که اگر این نهاد 30 سال کار کند در دهه سوم خودش می تواند تحول آفرین باشد. چرا که در آن دهه تمام نظریه هایی که مربوط به توسعه از کودکی است را ایرانیز کرده است و انواع کارگاه ها و بازی ها برای کودکان طراحی کرده است و ...

وی در پاسخ به سوال دیگری که سخنان او در مورد گفت و گو و حرکت مستمر را متناقض با تصمیمات پیشین و فعلی او در مورد عدم ارتباط با رسانه ها و جامعه مدنی دانست، اظهار داشت: من آن چیزی که در مورد حکومت دانش داشتم را در 20 سال گذشته به حکومت ارائه داده ام اما امروز متوجه شده ام که اشتباه بوده است؛ چرا که حاکمان نه تمایل و نه توان تغییر را دارند. به عنوان مثال قبلا وقتی برخی وزرا از من برای مشاوره دعوت می کردند در جلسه متوجه می شدم که اساسا ای وزیر به صحبت های من گوش نمی دهد و حواسش پیش ما نیست. یعنی یک زمانی کسانی ما را کلا قبول ندارند ولی این ها ما را قبول دارند دعوت هم می کنند اما نمی فهمند که چه می گوئیم. آن هایی که اتفاقی گوش کنند و متوجه شوند توان و اقتدار اجرایش را ندارند.

بزرگترین اشتباه جامعه روشنفکری این بوده که همه حواسش به حکومت بوده است

جمع بندی من این است که نظام تدبیر خیلی ناتوان تر از آن شده است که بتواند تحول ایجاد کند. در 100 سال بعد از مشروطیت جامعه روشنفکری بزرگترین اشتباهش این بوده است که همه حواسش به حکومت بوده است. مساله ما حکومت ها نیستند. حکومت های ما بهتر نه اما بد تر از حکومت های دیگر هم نبوده اند. مساله ما جامعه، خانواده و مدرسه است. ما در این 100 سال همه انرژی هایمان (نفث، گاز، آب) بر سر این که یا ما می خواستیم حکومت را عوض کنیم یا حکومت می خواست ما را عوض کند، هدر داده ایم. اما چیزی عوض نشد. من از یکی دو سال پیش جمع بندی ام این شد که در 100 سال بعد از مشروطه همه روشنفکران ما خطایشان این بوده است که نورا فکن هایشان به سمت حکومت بوده است. اگر این همه انرژی را به تغییر خانواده و تغییر ساختار اجتماعی معطوف کرده بودند امروز همه چیز تغییر کرده بود. امروز ما از لحاظ اجتماعی همان جایی ایستاده ایم که در دهه 20 ایستاده بودیم. رفتارهای ما با دهه 20 فرقی نکرده است. به دلیل این که عالمان ما به جای این که حواسشان به جامعه باشد حواسشان به حکومت بوده است.

به جای نق زدن به حکومت، خودمان را قوی کنیم

وی افزود: بنابراین کم کاری کرده ایم. به قول مرحوم شایگان ما روشنفکران گند زدیم. فرقی نمی کند دهه 40 باشد یا 80 همه ما گند زده ایم. در همین انتخابات 96 روشنفکران کجا بودند؟ همه فرتوت و خسته، بنابراین جمع بندی من این بود که اولاً باید به خودم تنفسی بدهم و آنقدر نگران اصلاح حکومت و سیاست های اقتصادی نباشم. به اعتقاد من این ساختار باید همین گونه ادامه دهد تا جایی که دیگر نتواند ادامه دهد. به عبارتی بنزین این ماشین تمام شود بعد همه پیاده شوند تا ببینند به چه دلیل ماشین از حرکت باز ایستاده است در این زمان است که روشنفکرانی که کار کرده اند و حرفی برای گفتن دارند می توانند الگو ارائه دهند. اما در حال حاضر همه ما فقط بر سر حکومت جیغ و داد می کنیم و کسی برنامه ای برای آینده ندارد. بنابراین تصمیم گرفته ام از این فضا فاصله بگیرم و به جای نق زدن به حکومت، فکر کنم و به جامعه بپردازم.

این استاد دانشگاه اظهار کرد: بالاخره این حکمرانان هم محصول همین جامعه هستند. آقای روحانی در بین ما رشد کرده است. اگر نمی تواند بیاید و با ما گفت و گو کند به این دلیل است که مادرش و نهاد آموزشی او به او گفت و گو کردن را یاد نداده اند. هر روحانی دیگر هم همین گونه است. شما تا به حال دیده اید که یک روحانی بالای منبر از مردم بخواهد که از او سوال بپرسند. دیگر روسای قوا هم همین گونه هستند. من امروز معتقدم که ما باید امروز به جای غر زدن به حکومت خودمان را قوی کنیم تا در روزی که این ماشین ایستاد بتوانیم راهکار ارائه دهیم.